



دکتر آنتونی کردزمن عضو مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک واشنگتن است و بخشی از مطالعاتش مربوط به حمله عراق به ایران بوده

گزارش آنتونی کردزمن از عملیات بیت المقدس

عملیات آزادسازی خرمشهر (بیت المقدس)

ANTOONIA
CORDESIAN

آنتونی کردزمن از شناخته‌شده‌ترین استادان آمریکایی است که گزارش‌ها و کتب متعددی درباره جنگ‌های اخیر نوشته است. دو جلد از دوره چندجلدی کتاب «جنگ‌های مدرن او» به جنگ عراق با ایران اختصاص دارد. در این کتاب او با استفاده از اسناد و گزارش‌هایی که از جنگ عراق با ایران در دست داشته یک دور جنگ تحمیلی را مرور کرده و در مقاطع زمانی کتاب به تفسیر رویدادهای آن برهه از جنگ پرداخته و با برشمردن نقاط قوت و ضعف هر یک از دو طرف در آن مقطع به اصطلاح درس‌های این جنگ مدرن را مرور کرده است. از این جهت که نویسنده به اسناد و گزارش‌های منتشر نشده دسترسی داشته، کتاب حاوی مطالب جالب و مهمی است: آمار جنگ‌افزارهای عراق و ایران در هر مقطع از جنگ، نقشی که غرب و شرق در تجهیز عراق و صدام داشته‌اند و... ضعف بزرگ و غیر قابل اغماض کتاب؛ لحن کاملاً جانبدارانه‌اش در جهت میرا کردن آمریکا از غرب در تجهیز صدام و سعی در فاصله‌گذاری ظریفی بین این کشور پادبگر دولت‌های غربی است که کردزمن در این کوشش از هیچ چیز، حتی دروغ‌های واضح خودداری نکرده است. طوری که مثلاً آمار شهدای ایران در طول جنگ در این کتاب چهار برابر میزان واقعی آن است، در حالی که کشته‌های عراق نصف مقدار واقعی است. از سیاق نوشتار و لحن نویسنده کاملاً پیداست که کردزمن این کار را عامدانه انجام داده تا تبلیغات سال‌های جنگ رسانه‌های غربی را در این باره موجه و درست جلوه دهد. او با زیرکی سعی دارد از خلال تبلیغات دو طرف در طول جنگ و خودداری آنها از ذکر تعداد کشته‌هایشان نهایت استفاده را ببرد، اما سخن که به تعداد اسرا می‌رسد، آمار یکبارہ واقعی می‌شود: اسرای عراق همیشه چند برابر اسرای ایرانند، اما کشته‌های ایران چند برابر کشته‌های طرف عراقی است! گویا کردزمن فراموش کرده در ایران جایی به نام بنیاد شهید هست که آمار شهدا، فارغ از اثر تبلیغی خوب یا بدش ضبط شده است. در تحلیل رویدادها هم همین جانبداری وجود دارد: هنگام حمله عراق برای اشغال خرمشهر آنجا یک بندر مهم تجاری است که به دلیل همجواری با «شط العرب» اهمیتی استراتژیک دارد اما نوبت که به عملیات ایران برای آزادی خرمشهر می‌رسد یکبارہ «اهمیت استراتژیک خرمشهر برای عراقی‌ها به دلیل از بین رفتن موقعیت گذشته نظامی آنان از بین رفت» یا مثلاً هنگام فتح فاو آنجا «جزیره‌ای متروک» است؛ در ست همان تعبیری که رادیو بی‌بی‌سی در عملیات والفجر ۸ به کار می‌برد تا روزمندگان ایران را به دلیل کوشش بسیار برای تصرف جزیره‌ای «متروک و کم‌اهمیت» تحقیر کند. فقط معلوم نبود چرا ارتش عراق اصرار داشت برای حفظ این جزیره بی‌ارزش روزانه چیزی حدود هفتصد و پنجاه کشته و دو هزار مجروح بدهد تا صدام حتی تا کسی دار‌های عراقی را موظف کند کشته‌های عملیات را روی بار بندشان از بصره به بغداد حمل کنند و راه‌هن بصره را به حمل مجروحان عملیات اختصاص دهد. گرچه جنگ نظامی ایران و عراق پایان یافته و خاطره صدام و جنایت‌هایش به حافظه تاریخ سپرده شده، اما ظاهر این بار نوبت رسانه‌هاست که تحقیرهای ناشی از شکست در جنگی سهمگین از مردانی دست‌خالی، اما مؤمن را اینگونه تلافی کنند. هر چه هست این بخش کوچکی از روایت کردزمن از آزادسازی خرمشهر در کتابش «درس‌های جنگ مدرن» است.

به دنبال پیروزی ایرانی‌ها در آبادان، آنان تلاش کردند با تحکیم مواضع دفاعی شان، راه را برای حفظ خوزستان و آزادی خرمشهر هموار کنند. در جنوب خوزستان مناطق خشک و نيزارهایی وجود داشت که هر اقدامی باید با ملاحظه آنها صورت می‌گرفت. در صورت سقوط خرمشهر، بصره با تهدیداتی جدی روبه‌رو می‌شد. عراق تود هزار نفر نیرو در خوزستان داشت که ارتباطشان با عراق از طریق پلی روی شط العرب بود. در خرمشهر سیاست زمین سوخته (نابودی همه بناها و درختان) اجرا شده بود تا دفاع از آن ساده‌تر باشد. ایجاد میدان‌های مین و سیم‌های برق فشار قوی در کنار ایجاد پایگاه‌های توپخانه با ذخایر مناسب در تیررس شهر خرمشهر، از دیگر اقدامات عراق بود. دو لشکر توپخانه و یک لشکر زرهی در کنار ۸ تیپ جیش‌الشعبی در خرمشهر مستقر بودند. آنان همچنان بر استراتژی دفاع ایستا و متمرکز پافشاری می‌کردند. با افزایش اهمیت سیاسی سلطه بر خرمشهر نسبت به موقعیت نظامی آن از سوی هر دو طرف، این نکته فراموش شد که ارتباط این شهر از خاک عراق تقریباً جدا شده است. همواره ایجاد دفاع زنجیره‌ای می‌تواند به یک دام بالقوه تبدیل شود و در این نبرد اگر چه ورود ایرانی‌ها به این زنجیره مستحکم دفاعی بسیار مشکل بود، اما خروج از آن برای خود عراقی‌ها هم راحت نبود. در آن زمان صد و پنجاه هزار ایرانی در اطراف خرمشهر و جنوب خوزستان قرار داشتند که با فرماندهی ستاد مشترک ارتش به عملیات می‌پرداختند. با وجود اختلافاتی میان سپاه پاسداران و ارتش، به دلیل فضای انقلابی و مسأله دفاع از مرزهای ملی و پس از دو پیروزی اخیر، آنان با روحیه‌ای مقاوم می‌جنگیدند. نیروهای ایران در ۳۰ آوریل ۱۹۸۱، در شب و به دلیل خنثی کردن حملات هوایی و توپخانه‌ای عراق، از سه طرف به خرمشهر یورش بردند. با وجود دفاع خوب عراقی‌ها، موج گسترده حملات انسانی نیروهای ایران سرانجام به شکست ارتش عراق منجر شد. در روزهای بعد نبرد در اطراف خرمشهر، آبادان و کارون ادامه یافت و با ناکامی عراق در انجام پاتک‌های متقابل در روزهای ۳ و ۴ می، آنان در حمیدیه و هویزه هم به دلیل کمبود نیرو با شکست دیگری روبرو شدند. در این نبرد ایرانی‌ها به شکلی غیرمنتظره از هلی‌کوپترهای تهاجمی شان علیه عراقی‌ها و پاسگاه فرماندهی ارتش عراق در شلمچه و فکه استفاده کردند. در طول یک هفته، ایرانی‌ها در منطقه‌ای به طول سی کیلومتر، از ایستگاه حسینیّه تا حوالی خرمشهر پیشروی کردند و تنهارا راه ارتباطی سربازان عراقی با خاک کشورشان را تهدید کردند.

در ۹ می آخرین مرحله عملیات آغاز شد. با قطع ارتباط و محاصره شدن عراقی‌ها، تعداد زیادی تانک و خودروی زرهی و توپ به دست ایرانی‌ها افتاد و با عقب‌نشینی عراق، آنها مواضع دفاعی شان را از دست دادند. طی ده روز بعد که ایران برای تصرف خرمشهر آماده می‌شد، عراق به تحکیم مواضعش پرداخت. خرمشهر برای عراق نه یک دژ محکم، که یک دام فاقد عمق استراتژیک شده بود. ارتش عراق فاقد نیروهای پشتیبان بود و با وجود مقاومت همه‌جانبه، دو لشکر عراق در خرمشهر محاصره شدند و راهی جز تسلیم یا فرار از طریق شط العرب و جا گذاشتن تسلیحاتشان نداشتند. پس از ده روز نبرد سخت، یک یگان پاسداران جاده تدارکات رسانی عراق را در ۲۱ می تصرف کرد و با موج حملات نیروهای ایرانی، این شهر به محاصره کامل درآمد. در ۲۲ می هفتاد هزار ایرانی در برابر ۳۵۰۰۰ عراقی که پانزده تانک و دو هزار نفرشان در دام افتاده بودند، صف‌آرایی کردند. پس از درگیری‌های دامنه‌داری بر سر تسخیر موانع دفاعی، جنگ خیابانی آغاز شد و با وجود آتش بارهای پر مهمات عراق در آن طرف شط العرب، امکان هدف‌گیری دقیق و اثر بخش برای آنان وجود نداشت. در این درگیری‌ها، عراق روزانه ۱۰۰ سورتی پرواز انجام می‌داد که به دلیل نداشتن سلاح‌های هدف‌گیری در شب و نزدیکی نیروها به هم، تأثیر چندانی نداشت. ایران هم از هلی‌کوپترهایش به‌طور محدود استفاده کرد، ولی در مجموع هیچ نبرد هوایی‌ای روی نداد.

در کل در ۲۴ می و به دنبال فرار ارتش عراق از خرمشهر از طریق شط العرب، دوازده هزار عراقی به اسارت درآمدند و گفته ایران در مورد انهدام کامل دو لشکر مکانیزه و دو تیپ مرزبانی عراق می‌تواند صحیح باشد.

تصرف خرمشهر را باید آخرین اتفاق در مرحله دوم جنگ و بازپس‌گیری بیشتر مناطق تصرف شده از خاک ایران دانست. در این مرحله و پس از آن، عراق برای دفاع از مناطق تصرف‌شده‌اش، نیاز به نیروهایی بیش از آنچه در اختیارش بود داشت و برتری این کشور در بخش جنگ‌افزار، عملاً رو به کاهش گذاشت.

از ۲۲ مارس تا ۲۴ می و به مدت دو ماه، عراق ۵۵۰۰ کیلومتر مربع از متصرفاتش را از دست داد و سی تا پنجاه هزار کشته و زخمی، ۲۵۰۰۰ اسیر، نابودی ۲۰۰ تانک و ۴۰۰ خودروی زرهی و صدها توپ و خمپاره‌انداز، از نتایج حملات ایران بود. عراق بیش از هر چیز از نداشتن تخصص در ارتش‌ش و ناتوانی در انعطاف‌پذیری و ساختار سیاسی در فرماندهی و کنترل خویش آسیب دید.

همواره ایجاد دفاع زنجیره‌ای می‌تواند به یک دام بالقوه تبدیل شود و در این نبرد اگر چه ورود ایرانی‌ها به این زنجیره مستحکم دفاعی بسیار مشکل بود، اما خروج از آن برای خود عراقی‌ها هم راحت نبود